

بررسی تطبیقی مفهوم قرائت تحقیق از منظر قرآن، سنت و علم تجوید

دکتر کریم پارچه‌باف دولتی

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

قرائت قرآن کریم، به عنوان عملی شرعی دارای آداب و شرایطی ویژه است. یکی از این آداب، قرائت صحیح و دقیق کلام الهی است. این قرائت، در مراتبی عینیت می‌یابد که از لحاظ کیفی با هم تفاوت دارند ولی از نظر اتقان و رعایت قواعد، شبیه‌اند. بررسی اسناد و نقلهای تاریخی نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین این مراتب که از زمان رسول اکرم (ص) شاهد تاریخی دارد، «تحقیق» است. با توجه به ویژگیهای منقول از قرائت در عصر اول اسلام و تطور آن و نظر دانشمندان علم قرائت و با عنایت به واژه ترتیل، می‌توان قرائت تحقیق را قرائتی دانست که تمام قواعد تجوید و تلفظ - در محدوده مخرج و صفات حروف و احکام و ترکیبات حروف و کلمات - به طور کامل و دقیق در آن رعایت می‌شود و به افراط نمی‌رسد. همچنین در تحقیق، قاری به رعایت مکان صحیح وقفها التزام دارد. یکی از ویژگیهای برجسته این نوع از قرائت که معمولاً ملاحظه می‌شود، تلفیق آن با صدا و لحن نیکوست. همچنین یکی از ویژگیهای قرائت تحقیق، توجه به اتقان در تلفظ کلمات و جملات در رعایت نبر است. در این مقاله، پس از بررسی پیدایش، تطور و تعاریف مختلف ارایه شده از تحقیق در قرائت قرآن، به ارتباط آن با ترتیل و سایر مراتب قرائت قرآن پرداخته شده و نشان داده شده است که این مرتبه چه ویژگیهایی دارد و جایگاه آن در مقایسه با سایر انواع قرائت چیست.

کلیدواژه

قرائت قرآن، مراتب قرائت، تحقیق، ترتیل، تجوید

قرآن کریم، تجلی خدای متعال (نهج البلاغه، ص ۲۰۴؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۷)، برترین کلام (مجلسی، پیشین، ج ۹۲، ص ۱۰۷؛ نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۳۶)، نور هدایت گر الهی (سوره مائده، آیات ۱۵ و ۱۶؛ سوره نساء، آیه ۱۷۴)، معجزه بزرگ رسول خدا (ص) و اکرام کننده اهلش و خوار کننده دشمنانش در روز قیامت (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۴ و ص ۵۹۵) می باشد.

«قرآن» تنها نام قرآن است که هفتاد بار در متن قرآن به کار رفته است؛ از میان این تعداد، ۶۴ موضع به طور یقینی بر خود قرآن دلالت دارد. ۲ موضع (سوره مزمل، آیات ۴ و ۲۰) به طور احتمالی به قرآن اشاره دارد. برخی احتمال داده اند کلمه «قرآن» در این دو موضع، بر نماز شب دلالت داشته باشد (طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۶۱ و ۷۶). با این حال، بسیاری از مفسران، این کاربرد را درباره قرآن یا نماز به عنوان احتمال ذکر نموده اند (طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۱۰، صص ۲۳۶-۲۳۷ و ۲۴۸). تنها در ۴ موضع (اسراء: ۷۸ (دو بار)، قیامه: ۱۷ و ۱۸) به معنای لغوی به کار رفته است. در دو موضع نخست، منظور از «قرآن الفجر» خواندنی صبحگاه یعنی نماز صبح است (طباطبائی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۷۵). در آیات سوره قیامه، کلمه «قرآن» به معنای مصدری می دهد یعنی خواندن اش (پیشین، ج ۲۰، صص ۱۰۹-۱۱۰).

هرچند در مشتق یا جامد بودن واژه «قرآن» بین عالمان لغت، دانشمندان علوم قرآن و مفسران اختلاف وجود دارد،^۱ اما نظر مشهور بین ایشان، آن است که «قرآن» از ماده «قرء» است. در این صورت، «قرآن» مصدری است به معنای «خواندن» که به معنای مفعولی یعنی «خواندنی» به کار رفته و علم خاص برای کلام خدا گردیده است.

اساساً قرآن کتاب خواندن است. برای برقراری هر نوع ارتباط و انس با قرآن، باید از راه خواندن و انس با الفاظ آغاز نمود. کسی که الفاظ قرآن را می خواند و شرایط قرائت صحیح را رعایت می کند، می تواند امید ورود به دریای معارف قرآن را داشته باشد. باید توجه کرد که قرآن خوانی نه تنها شرط ورودی برای دریافت حقایق قرآنی است، بلکه شرط لازم برای ورود به این دریای بسیار عمیق است. قرائت قرآن نه تنها برای مسلمانان عادی بلکه برای خاصان و

^۱ دیدگاههای اصلی در این خصوص به طور خلاصه عبارت اند از:

- علم و غیر مشتق (زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۷۴).

- مشتق از ریشه «قرن» (غیر مهموز) به معنای پیوسته بودن (پیشین).

- مشتق از «قرائن» (بدون همزه اصلی) به معنای نشانه و قرینه بودن (پیشین).

- مشتق از ریشه «قری» به معنای جمع (پیشین، صص ۳۷۳-۳۷۴).

- مشتق از ریشه «قرء» به معنای جمع، تبیین یا خواندن (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، صص ۷۸-۷۹).

مقربان درگاه الهی نیز لازم است. پیامبر اکرم (ص) همانند سایر مسلمانان در نمازش قرآن می‌خواند؛ برای تبلیغ دین قرآن را تلاوت می‌کرد (سوره بقره، آیه ۱۵۱؛ سوره آل عمران، آیه ۱۶۴؛ سوره جمعه، آیه ۲)؛ در غیر این دو مورد نیز برای خود یا سایر مردم، تلاوت قرآن می‌کرد (سوره نمل، آیات ۹۱ و ۹۲).

تأکید بر قرائت قرآن از جمله اولین و مهم‌ترین تأکیدهای دین اسلام می‌باشد. «قرائت» نه تنها برای فهم قرآن طریقیّت دارد، بلکه موضوعیّت مستقل هم دارد.

خدای متعال فرمود: فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ (سوره مزمل، آیه ۲۰). یعنی: اینک هر چه از قرآن میسر می‌شود بخوانید.

از ششمین پیشوای معصوم حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده است: الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ؛ فَقَدْ يُنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ، وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً (کلینی، پیشین، صص ۶۰۱-۶۰۲). یعنی: قرآن دستور الهی به بندگانش است؛ پس برای انسان مسلمان شایسته است که در دستور خدا بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.

به این ترتیب روشن می‌شود که قرائت قرآن از جایگاه ویژه و منحصر به فردی در میان عبادات برخوردار است.

آداب قرائت قرآن

تلاوت قرآن عملی عبادی و شرعی است. برای این عمل شرعی، آداب و شرایطی در شرع مقدس مطرح شده است. به کار بستن برخی از آنها واجب و بعضی مستحب است. آداب مختلفی برای این عمل شرعی وجود دارد که از آن میان، چند مورد زیر با تحقیق در قرائت قرآن ارتباط می‌یابد.

۱- ترتیل: به جهت اهمیت و ارتباط مستقیم آن با عنوان تحقیق، در ادامه مقاله به طور مجزا توضیح داده می‌شود.
۲- قرائت با صدای خوب و لحن عربی: صدای زیبا یکی از بهترین نیکیهاست که خدا آن را به عنوان یکی از سه زیبایی، به بسیاری از مسلمانان هدیه نموده است (کلینی، پیشین، صص ۶۰۷-۶۰۸). قرآن کریم نیز کلام زیبای الهی است که اگر با صدای خوب قرائت شود، بر نیکیش می‌افزاید.

امام رضا (ع) از زبان رسول خدا (ص) روایت می‌کند: حَسَّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ؛ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا. وَ قَرَأَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ (مجلسی، پیشین، صص ۱۹۳-۱۹۴). یعنی: قرآن را صداهایتان نیکو گردانید؛ زیرا صدای خوش بر نیکوی قرآن می‌افزاید. سپس آیه «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» (سوره فاطر، آیه ۱) را تلاوت فرمود.

هر چقدر قرآن با صدا و لحن نیکوتر و به سبک و لهجه عربی خوانده شود نفوذش در قلبها افزون تر خواهد بود. در این باره نیز روایات متعددی از معصومان (ع) وارد شده است؛ از جمله: امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) روایت می‌کند: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ؛ وَ حَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ (کلینی، پیشین، ص ۶۰۸). یعنی: هر چیزی زیوری دارد؛ و زینت قرآن صدای نیکو است.

همچنین آن حضرت از رسول اکرم (ص) روایت می‌فرماید: اَفْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا. وَإِيَّاكُمْ وَ لُحُونَ أَهْلِ الْفِسْقِ وَ أَهْلِ الْكِبَايَرِ؛ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجَعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَ النَّوْحِ وَ الرَّهْبَانِيَّةِ؛ لَا يَجُوزُ تَرَاقِيَهُمْ. قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ، وَ قُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ (پیشین، ص ۶۰۷). یعنی: قرآن را با لحنها و صداهای عربها بخوانید. از لحن بدکاران و اهل گناهان کبیره دوری کنید؛ زیرا پس از من مردمانی می‌آیند که قرآن را چون خوانندگی، نوحه خوانی و رهبان مآبی در حنجره بچرخانند؛ از گلوگاه آنان نگذرد. دل‌های ایشان و دل هر که از آنها خوشش آید وارونه است.

پیامبر اکرم (ص) همانند تمام پیامبران خوش صدا بود؛ چنان که امام صادق (ع)، این امر را برای تمام پیامبران ثابت می‌داند (پیشین، ص ۶۰۸). از سوی دیگر، پیامبر اکرم (ص) صدای نیکوی خود را در نماز به حد طاقت و تحمل مردم نشان می‌داد (پیشین، ص ۶۰۷).

پیشوایان معصوم (ع) نیز هر کدام، مظهر زیبا و خوش‌ترین صداهای در عصر خویش بودند. در نقلی از امام جعفر صادق (ع)، جدش امام سجاد (ع) چنین توصیف گردیده است:

امام سجاد (ع) خوش‌صداترین مردم در قرائت قرآن بودند، به طوری که سقاهایی که از پشت در منزل آن حضرت عبور می‌کردند، می‌ایستادند و به قرائت آن بزرگوار گوش فرامی‌دادند (پیشین). ادامه همان روایت، امام محمد باقر (ع) را نیز خوش‌صداترین مردم در قرائت قرآن دانسته است.

۳- قرائت با حزن: یکی از توصیه‌های پیشوایان دین که ارتباط مستقیمی با صوت و لحن نیکو دارد، قرائت قرآن با حزن و اندوه است. حتی در برخی از روایات، توصیه به گریه کردن در قرائت شده است. به فردی که اشکش جاری نمی‌شود هم «تباکی» (خود را به حالت گریان درآوردن) توصیه شده است. یکی از شرایط مهم قرائت با صدا و لحن خوش، محزون خواندن است و کسی که قرائتش با حزن معنوی همراه باشد، مطلوب‌تر و پسندیده‌تر است.

امام صادق (ع) فرموده است: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ؛ فَأَقْرَأُوهُ بِالْحُزْنِ (پیشین). یعنی: قطعاً قرآن با حزن و اندوه نازل شده است؛ پس آن را با حالت اندوه و تأثر بخوانید.

گفته‌اند: وجه تحزین در قرائت قرآن آن است که قاری در تهدید، عذاب، پیمانها و فرمانهای قرآن، درنگ کند

و به کوتاهیهایش در امر و نهی قرآن بنگرد و به خاطر این کوتاهی، اندوهگین و گریان شود (غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۷۷).

۴- مداومت بر قرائت: یکی از آداب مهم و مورد توصیه در قرائت قرآن، مداومت بر قرائت قرآن است که توجه به زمینه تحقیق در قرائت را فراهم می آورد و یکی از نتایج آن، «ختم قرآن» است. فرد مسلمان باید در هر شبانه روز با قرآن - کلام خدای رحمان - تجدید عهد نموده و بخشی از آن را قرائت کند. در این باره، روایات متعددی وجود دارد. (از جمله: کلینی، پیشین، صص ۶۰۱-۶۰۲، ۶۰۴).

نمونه ای دیگر از این روایات به نقل از امام صادق (ع) چنین است: مَا يَمْنَعُ التَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فِي سُوقِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ؟ فَتُكْتَبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ (کلینی، پیشین، ص ۶۰۳). یعنی: چه چیزی فرد تاجر از میان شما که در بازار (و مکان کسب اش) مشغول است را باز می دارد از این که وقتی به منزل اش بازگشت، سوره (یا بخشی) از قرآن را بخواند؟ و در نتیجه برایش به جای هر آیه - ای که خوانده است ده حسنه برایش نوشته شده و ده گناه از پرونده اعمال اش پاک شود.

۵- خضوع و خشوع: خضوع و خشوع در برابر حق تعالی و کلام مبارک اش شرط مهمی برای تأثیر گذاری قرائت است. قرائت قرآن با حالت متکبرانه و باغرور، نه تنها تأثیر مثبتی بر انسان برجا نمی گذارد بلکه خود حجاب و مانع بزرگی در بهره وری از قرآن می شود. خدای متعال فرموده است: أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (سوره حدید، آیه ۱۶). یعنی: آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم و فروتن گردد؟

این حالت، باید در کیفیت و نحوه قرائت انسان نیز وجود داشته باشد. از رسول اکرم (ص) سؤال شد: چه کسی قرائتش بهتر است؟ فرمود: کسی که وقتی خواندن قرآن را از او بشنوی، بینی که از خدا می ترسد (مجلسی، پیشین، ص ۱۹۵).

۶- تدبیر: تدبیر در لغت از «دُبْر» به معنای پشت گرفته شده، معنای آن نظر کردن و تفکر در پشت امور است (ابن منظور، پیشین، ج ۴، صص ۲۸۰-۲۸۵). قرآن کریم و معصومان (ع) بر تدبیر در قرآن کریم بسیار تأکید نموده اند. فرمایش حق تعالی در این باره چنین است: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (سوره ص، آیه ۲۹). یعنی: این کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا درباره آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند.

در آیه‌ای دیگر فرموده است: أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (سوره محمد، آیه ۲۴). یعنی: آیا به آیات

قرآن نمی‌اندیشند؟ یا مگر بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟

تدبیر در مراحل مختلف قرائت و فهم تجلی می‌یابد. تدبیر در اصل قرائت یعنی الفاظ را پی در پی آوردن و مداومت بر قرائت. تدبیر در فهم یعنی توجه به مفاهیم آیات که در لایه‌های مختلف وجود دارد. رکن اصلی در فهم قرآن، تدبیر است. اگر این تدبیر صورت نگیرد، قرائت خیری در پی نخواهد داشت، چنان که امام محمد باقر(ع) از حضرت امیرالمؤمنین(ع) روایت می‌کند: ... أَلَا لَأَخَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُمٌ؛ أَلَا لَأَخَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ؛ أَلَا لَأَخَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَقُّهُ ... (مجلسی، پیشین، صص ۲۱۰-۲۱۱). یعنی: ... آگاه باشید! در علمی که فهم در آن وجود ندارد خیری نیست؛ آگاه باشید! در قرائتی که تدبیر در آن وجود ندارد خیری نیست؛ آگاه باشید! در عبادتی که فهم در آن وجود ندارد خیری نیست ...

لذا نتیجه تدبیر، عبرت‌پذیری و قراردادن قلب در مسیر پذیرش حقایق قرآنی است و با تحقق آن، انسان در مسیر نسیم رحمت قرآن کریم قرار خواهد گرفت. در بحث‌های آینده روشن می‌شود تدبیر از جمله نتایجی است که از مداومت بر قرائت تحقیق حاصل خواهد گردید.

مراتب قرائت قرآن

قرائت قرآن به اعتبار ویژگی‌های مختلف، نظیر: جهت قرائت (آموزش، ابلاغ پیام آیات، جذب مخاطبان و غیر آنها)، میزان رعایت قواعد تجوید و تلفظ، سرعت قرائت یا سایر ویژگی‌ها، قابل تقسیم به انواعی است. مهم و معروف‌ترین این تقسیمات که در کتب علم تجوید و قرائت مورد توجه بوده، تقسیمی است بر مبنای توجه و به کار بستن قواعد تجوید و ادا در قرائت. در این تقسیم، قرائت بر اساس یکی از سه شیوه تحقیق، تدویر و حدر صورت می‌گیرد (ابن الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۰۵).
پیش از آن که به تعریف این سه شیوه پرداخته شود، سه نکته لازم به ذکر است:

نخست این که، برخی از متأخران انواع دیگری را در کنار این سه نوع مطرح کرده‌اند که از لحاظ منطقی قسیم انواع دیگر نیست؛ مثل فصیح خوانی، حُدَیر و تأثری. این مطلب بیشتر در برخی از جلسات مطرح می‌شود و تنها در کتابی به صورت مکتوب مشاهده گردید (نک: بنیادی، محمد، مصباح القرآن، ج ۳، صص ۹-۱۶).

دوم آن که، بعضی از نویسندگان، ترتیل را به عنوان قسم چهارم در کنار سه قسم دیگر برشمرده‌اند. از جمله کتبی که چنین مطلبی در آن ملاحظه شد، کتاب الجمع الصوتی الاول للقرآن الکریم (المصحف المرتل، بواعثه و

مخططاته) است. نویسنده کتاب می‌نویسد: «ترتیل ... برترین از مراتب چهارگانه قرائت است: ترتیل، تحقیق ...، حدر ... و تدویر» (سعید، لیب، الجمع الصوتی الاول للقرآن الکریم، ص ۸۸). همچنین در چاپهای نخستین کتاب حلیه القرآن نیز مطلب به همین صورت آمده است. البته این مطلب در چاپهای بعدی کتاب اصلاح گردید. مؤلف کتاب، خود، به این تغییر دیدگاه در چاپهای بعدی کتاب اشاره می‌کند (موسوی بلده، سیدمحسن، حلیه القرآن، ص ۱۷). با توجه به مطالبی که در پی می‌آید، روشن می‌شود این کار نیز مبنای صحیحی ندارد.

نکته پایانی این که، تعریف اصطلاحی هر یک از اقسام در طول تاریخ و توسط دانشمندان علم قرائت تطوراتی داشته و آنچه ذکر می‌شود بر اساس مجموع نظریات ارایه شده است، نه این که تمام دیدگاهها جمع شده باشد.

تحقیق در لغت و قرائت قرآن

«تحقیق» مصدر باب تفعیل از ریشه «ح ق ق» است. «حَقَّ» ضد باطل، امر قطعی شده، ثابت و راست است. «حَقَّ» یعنی ثابت یا لازم گردید. «حَقَّقَ» یعنی تصدیق کرد و حق دانست (ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۳، صص ۲۵۵-۲۵۶؛ فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، صص ۷۸۷-۷۸۸). «تحقیق» یعنی حق چیزی را بدون زیاده یا کاستی به آن دادن (دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، التحدید فی صنعة الاتقان و التجوید، ص ۱۳۴)؛ و دستیابی به کنه حقیقت چیزی و رسیدن به نهایت شأن آن (ابن الجزری، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۵).

«حَقَّ» و مشتقات از ریشه آن ۲۸۷ بار در قرآن به کار رفته، ولی از باب تفعیل آن استفاده نشده است.

دانی مفهوم اصطلاحی تحقیق را چنین گفته است: «تحقیق، ورزیدگی زبان، روان ساختن الفاظ سنگین، برپاداشتن (حدود صحیح) قرائت، دادن حق هر حرفی از قبیل مد، همزه و اشباع به آن و خارج ساختن روان حروف از یکدیگر است؛ قاری در تحقیق، از حرکت دادن حرف ساکن یا کم کردن حرکت حرف متحرک در امان است.» (دانی، پیشین، صص ۱۳۴-۱۳۵)

ابن الجزری با تفصیل بیشتری نسبت به دانی، آن را با ویژگیهای ذیل توضیح می‌دهد:

- دادن حق هر حرفی به آن؛ از قبیل: اشباع مد، تحقیق همزه، اتمام حرکات و کامل کردن اظهار، تشدیدها و همزه‌ها.

- تفکیک حروف از یکدیگر؛ یعنی بیان آنها و جداسازی بعضی از آنها از دیگر حروف به وسیله سکت و

خواندن روان آن

- ملاحظه وقفهای جایز

- معمولاً بدون قصر، اختلاس حرکت، اسکان حرف متحرک و ادغام خواندن

- بدون رساندن تلفظها به حد افراط در حرکت دادن حروف ساکن، کشش حرکات کوتاه، تکریر زیاده از حد

حرف راء و مبالغه در غنه دادن به نون (ابن الجزری، پیشین).

در برخی از منابع متأخر نیز خلاصه تعریف اصطلاحی ابن الجزری ذکر شده است (از جمله کتب: حصری،

محمود خلیل، احکام قراءه القرآن الکریم، ص ۲۸۸؛ عثمان، حسنی شیخ، حق التلاوة، ص ۶۱؛ عبدالمجید، سید علی،

مقتطفات فی علم التجوید، ص ۲۷).

غانم الحمد، بعد از ذکر نظر تعدادی از محققان گذشته، جمع دیدگاهها را چنین آورده است: تحقیق، اقتضای

توجه به تلفظ صداها از مخارجشان، تکمیل صفاتشان و احکام ناشی از ترکیب را دارد (الحمد، غانم قدوری،

الدراستات الصوتیة عند علماء التجوید، ص ۴۶۹).

با عنایت به مطالب گذشته، می توان تحقیق را تاکنون به این شکل تعریف کرد: «مرتبه و نوعی از قرائت قرآن

کریم که تمام قواعد تجوید و تلفظ - در محدوده مخرج و صفات حروف و احکام و ترکیبات حروف و کلمات - به

طور کامل و دقیق رعایت می شود و در رعایت آنها، از حد صحیح نمی گذرد و به افراط نمی رسد. همچنین در تحقیق،

قاری به رعایت مکان صحیح وقفها التزام دارد.»

قرائت به شیوه تحقیق برای ورزیدگی زبان و استحکام در تلفظ است و برای آموزش قرآن به کار می رود

(ابن الجزری، پیشین).

از نقل انس بن مالک درباره قرائت پیامبر اکرم (ص) «آن حضرت صدای اش را در قرائت قرآن می کشید» (دانی،

پیشین، صص ۱۴۲-۱۴۳) و نقل قرائت پیامبر اکرم (ص) بر اَبی بن کعب به صورت تحقیق (پیشین، ص ۱۵۰) می توان

دریافت که قرائت تحقیق جزو سنتهای آن حضرت بوده است (برای اطلاع از مثالهای بیشتر، نک: دانی، پیشین،

صص ۱۵۱-۱۵۶).

در بین قاریان و معلمان قرائت قرآن در قرن دوم هجری قمری (قاریان سبعة و عشرة و راویان شان)، حمزه، ورش

(غیر از نقل اصفهانی از وی)، قُتیبَه از کسائی، اَعشى از شعبه از عاصم، بعضی از نقلها از حفص، تعدادی از مصریان از

حلوانی از هشام و اکثر اهل عراق از اَخْفَش از ابن ذکوان هر دو از ابن عامر قرائت به تحقیق انجام می داده اند

(ابن الجزری، پیشین، ص ۲۰۶).

برای درک دقیق تر تحقیق در قرائت قرآن، مناسب است حدر و تدویر نیز به اختصار بیان شود. «حدر» مصدر

ثلاثی مجرد از ریشه «ح د ر» است. «حدر» یعنی پایین آمدن و سرازیر شدن چیزی از بالا به پایین که در نتیجه سرعت و

شتاب یابد (ابن منظور، پیشین، ج ۳، ص ۸۳؛ فیروزآبادی، پیشین، ص ۳۳۶).

دانی، حدر (یا هَدْرَمَه) را در اصطلاح، سرعت دادن به قرائت همراه با تلفظ صحیح الفاظ و رعایت حق حروف

دانسته است (دانی، پیشین، ص ۱۳۵).

ابن الجزری آن را قرائتی با ویژگیهای ذیل می‌داند:

- ضد قرائت تحقیق

- پشت هم خواندن کلمات

- سرعت دادن به قرائت

- سبک گرفتن در کمیت قواعد؛ مثل: قصر خواندن مدود، ساکن گردانیدن، اختلاس (کوتاه کردن حرکات

بدون اختلال در قرائت)، ابدال، ادغام کبیر، تخفیف در قواعد همزه و نظایرش که روایت منقولی دارد و چنین قرائت شده است.

- ترجیح وصل

- صحت اعراب و رعایت استحکام در تلفظ کلمات و حروف (ابن الجزری، پیشین، ص ۲۰۷؛ همچنین نک:

الحمد، پیشین، صص ۴۷۱-۴۷۲).

برخی دیگر، خلاصه‌ای از دو دیدگاه پیش را ذکر کرده و به مراعات دقیق احکام و اجتناب از نقص در تلفظ

حروف و حتی نقص در غنه‌ها و کوتاهی در حرکات که موجب اشکال در قرائت می‌شود، تأکید ویژه داشته‌اند (حصری، پیشین، ص ۲۸۸؛ عثمان، پیشین، ص ۶۳؛ عبدالمجید، پیشین).

با توجه به دیدگاههای دانشمندان - که به هم نزدیک اند - می‌توان حدر را چنین تعریف کرد: «قرائتی که ضمن

تطابق کامل با قواعد صحت قرائت و تجوید، به حداقلها اکتفا کرده، به طور منطقی سرعتی زیاد پیدا کند.»

این نوع قرائت، برای بیشتر شدن پاداش قرائت و به دست آوردن فضیلت تلاوت است، زیرا در زمان کمتر،

بخش بیشتری از قرآن خوانده می‌شود (ابن الجزری، پیشین، ص ۲۰۷).

ناگفته پیداست کسی که هنوز نتوانسته است در قرائت مسلط شود، امکان قرائت به شیوه حدر را نخواهد داشت.

ابن کثیر، ابوجعفر و قاریانی که مد مفصل را به قصر می‌خوانده‌اند، مثل ابوعمر و یعقوب، قالون، ورش (به نقل

اصفهانی از او) در وجه مشهور از ایشان، حفص (به نقل ولیّ از او) و اکثر اهل عراق از حلوانی از هشام قرائت به حدر انجام می‌داده‌اند (ابن الجزری، پیشین).

«تدویر» مصدر باب تفعیل از ریشه «د و ر» است. «دور» یعنی حلقه، گرد و اطراف چیزی بودن. «تدویر» یعنی

چیزی را اطراف و دور قرار دادن (ابن منظور، پیشین، ج ۴، ص ۴۳۸؛ فیروزآبادی، پیشین، ص ۳۵۵).

مشتقات «دور» ۵۵ بار در قرآن به کار رفته، ولی از باب تفعیل آن استفاده نشده است.

تدویر در اصطلاح بین دو مرتبه تحقیق و حدر قرار دارد (ابن الجزری، پیشین؛ عثمان، پیشین، ص ۶۳؛ عبدالمجید،

پیشین، ص ۲۷). قواعد و احکام در تدویر بین حالت طمأنینه و سرعت اجرا می‌شوند (حصری، پیشین، ص ۲۸۹).

تدویر را شیوه سایر قاریان و مرتبه صحیح نزد تمام پیشوایان و بزرگان قرائت دانسته‌اند که نزد بیشتر اهل تجوید و

تلفظ، بهترین شیوه است (ابن الجزری، پیشین)، زیرا به حدی کند نیست که میزان قرائت خیلی پایین بیاید و به قدری

سریع نیست که قواعد به میزان حداقل مراعات شوند.

ترتیل

از ریشه «رت ل» و مصدر باب تفعیل است. «رتل» در لغت یعنی زیبایی و خوبی ترکیب چیزی. کسی که دارای

دندانهای سفید و مرتب بدون درهم رفتگی باشد را «رَتِل الْأَسْنَان» گویند. کلامی که نیکو و در حالت آرامش بیان شود

را «کلامٌ رَتِلٌ وَ رَتِلٌ» می‌نامند. ترتیل در کلام یعنی زیبا نمودن ترکیب آن، آشکار و با مکث و طمأنینه ادا کردن (ابن-

منظور، پیشین، ج ۵، ص ۱۳۲؛ فیروزآبادی، پیشین، ص ۹۰۳).

از ریشه «رتل» چهار مورد کاربرد در آیات زیر وجود دارد:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (سوره فرقان، آیه

۳۲). یعنی: و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یک‌جا بر او نازل نشده است؟» این گونه [ما آن را به تدریج

نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم.

وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً (سوره مزمل، آیه ۴). یعنی: و قرآن را شمرده شمرده بخوان.

در آیه نخست، خدای متعال ترتیل را به خود نسبت داده است.

در بیان مفهوم آن گفته‌اند: آشکار کردن و جاری ساختن بخشی از کلام به دنبال بخشی دیگر است. همچنین

تفصیل دادن یا جدا کردن اجزای آن از یک‌دیگر می‌باشد (طبرسی، پیشین، ج ۷، ص ۴۴۸). علامه طباطبایی آن را نزول

متفرق و تدریجی قرآن توسط خدای متعال دانسته که بخشی را در پی بخشی دیگر نازل کرده است به گونه‌ای که

روابط (معنایی و کلامی) از هم گسیخته و نتایج قسمتهای مختلف قطع نمی‌شود و هدف آموزشی قرآن با این نزول غیر

یک‌باره دچار فساد و اشکال نمی‌گردد (طباطبائی، پیشین، ج ۱۵، صص ۲۱۰-۲۱۱). وی در ادامه به این مطلب مهم اشاره

می‌کند که چون قرآن، کتاب بیان و دلیل در مقابل اشکالات و شبهاتی است که وارد می‌کردند، این پاسخ‌گویی جز با

نزول تدریجی ممکن نبود، زیرا اشکالات را در طول زمان مطرح می کردند و پاسخ نیز باید به اقتضای طرح اشکال داده می شد (نک: پیشین، ص ۲۱۲). ایشان دیدگاه مفسرانی که عبارت «وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» را جدا از ماقبل معنا کرده و صرفاً خیر از نزول قرآن یا قرائت بر پیامبر (ص) می دانند، مردود دانسته است (پیشین، صص ۲۱۲-۲۱۳).

آیه دوم - همان گونه که قبلاً ذکر شد - می تواند به ترتیل قرآن (یا ترتیل نماز) بازگردد که البته وجه اول مشهورتر است.

روایات متعددی از پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (ع) نقل شده که در بیان معنای ترتیل قرآن است؛ از جمله: امام موسی کاظم (ع) از پدران معصومش روایت می کند: از رسول خدا (ص) درباره آیه یاد شده سؤال شد؛ فرمود: *بَيِّنُهُ تَبْيَانًا؛ وَ لَا تَنْتَرُهُ نَتْرَ الرَّمْلِ، وَ لَا تَهْذُهُ هَذَا الشَّعْرِ. قِفُوا عِنْدَ عَجَائِبِهِ، وَ حَرِّكُوا بِهِ الْقُلُوبَ؛ وَ لَا يَكُونُ هَمُّ أَحَدِكُمْ* *آخِرَ السُّورَةِ* (مجلسی، پیشین، ص ۲۱۵). یعنی: آن را به وضوح بیان کن؛ بسان ریگهای بیابان پراکنده نکن، و همانند شعر به هم متصل مگردان؛ در هنگام عبور از عجایبش بایستید، و با آن قلبها را به حرکت در آورید؛ تلاش هیچ یک از شما نباید رسیدن به آخر سوره باشد.

از امام صادق (ع) هم درباره این آیه سؤال شد؛ فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (ع) که شبیه حدیث نبوی (ص) یاد شده است را بیان فرمود (کلینی، پیشین، ص ۶۰۶).

همچنین از امام جعفر صادق (ع) در حدیثی دیگر درباره مفهوم آن آیه نقل شده است: *هُوَ أَنْ تَتَمَكَّتَ فِيهِ، وَ تُحَسِّنَ بِهِ صَوْتَكَ* (مجلسی، پیشین، ص ۱۹۱). یعنی: ترتیل آن است که در خواندن آن درنگ کنی، و صدایت را با خواندن آن نیکو گردانی.

ابوعمر و دانی در بیانی معنای اصطلاحی ترتیل، آن را با تلفظ کامل همزه و ترک آن، قصر مد، اختلاس حرکت و تخفیف آن همراه می داند که این موارد در تحقیق وجود ندارد. سپس با اشاره به آیه اخیر، آن را چنین معنا می کند: «در قرائت قرآن مکث کن و هر حرف را از حرف بعدش جدا ساز و به صورتی عجله نکن که بعضی از حروف در برخی دیگر داخل شوند (دانی، پیشین، صص ۱۳۲-۱۳۳).

ابن الجزری در توضیح نسبتاً طولانی ای که درباره ترتیل می دهد، سه نکته را می افزاید:

نخست این که در ترتیل باید تدبر و تفهم قرآن حاصل شود.

دوم این که در ترتیل باید قرائت به صورت حرف حرف و آشکار باشد.

نکته پایانی این که کشش و تانی در ترتیل وجود دارد.

به این ترتیب، وی تحقیق را داخل در ترتیل دانسته است (ابن الجزری، پیشین، صص ۲۰۷-۲۰۸).

حصری، ترتیل را کیفیتی در قرائت می‌داند که تمام قواعد تجوید به طور کامل و دقیق رعایت می‌شود. در کنار آن، توجه دقیق به وقف و وصل صحیح صورت می‌گیرد. اینها به گونه‌ای است که ذوق سلیم از آن دوری نمی‌کند و قرائت با کندی و آرامش صورت می‌گیرد (حصری، پیشین، صص ۲۸۸-۲۸۷).

حسینی شیخ عثمان، ترتیل را لفظی می‌داند که تمام مراتب سه گانه تحقیق، حدر و تدویر را دربر دارد و هر نوع تلاوت قرآن با لحن و صوت عرب، زیبایی تلفظ و صوت، رعایت و تطبیق دقیق احکام تجوید و مراعات وقف و ابتدا که به تدبر در معانی منجر می‌شود را شامل می‌شود (عثمان، پیشین، صص ۶۱). عبدالمجید هم شبیه همین معنا را به اختصار ذکر می‌کند (عبدالمجید، پیشین، صص ۲۷).

غانم الحمد اقوالی را ذکر می‌کند که نشانگر یکی بودن تحقیق و ترتیل است. وی همچنین برخی دیدگاهها که ترتیل را یکی از مراتب قرائت می‌دانند ذکر می‌کند. البته ایشان اقوال کسانی مثل ابن الجزری که قائل به تمایز بین این دو هستند را در این بحث مطرح نمی‌کند (نک: الحمد، پیشین، صص ۴۶۹-۴۷۱).

به این ترتیب باید ترتیل را نه مرتبه‌ای از مراتب قرائت در کنار سه نوع دیگر دانست، نه معادل با تحقیق (ابن-الجزری، پیشین، صص ۲۰۹)؛ زیرا در ترتیل، توجه به معانی و تدبر و فهم قرآن وجود دارد (دانی، پیشین، صص ۱۳۴) که در هیچ یک از انواع دیگر - حتی تحقیق - شرط قرار داده نشده است. هرچند ترتیل می‌تواند بر هریک از انواع سه گانه مورد اشاره تطبیق داده شود، ولی به جهت آرامش مورد اشاره در ترتیل و کندی سرعت قرائت، با تحقیق و تدویر بیشتر قابل جمع است تا حدر.

ترتیل به عنوان یکی از مستحبات قرائت در نماز نیز برشمرده شده است (طباطبائی یزدی، پیشین، صص ۵۰۸). برخی گفته‌اند ترتیل فقط برای تدبر مستحب نیست، بلکه حتی کسی که معنای قرآن را متوجه نمی‌شود، باز هم ترتیل و کندی قرائت برایش استحباب دارد، زیرا نسبت به حالت عجله و سرعت داشتن در قرائت، به احترام و تأثیرپذیری بیشتر قلب از قرآن نزدیک است (ابن الجزری، پیشین).

توجه شود که مراد از ترتیل اصطلاحی، شیوه متداول تلاوت معروف به «ترتیل» که کل قرآن در حدود سی ساعت تلاوت می‌شود، نیست.

نمونه‌هایی از تلاوت قرآن قابل انطباق با تحقیق در طول تاریخ

قرائت قرآن با صوت و لحن نیکو در تاریخ اسلام و مناطق مختلف گزارش شده است. به عنوان نمونه و تکمیل بحث گذشته، در این باره چند گزارش از منابع مختلف ذکر می‌شود.

۱- یکی از قدیمی ترین منابع جغرافیایی موجود، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم است که در خلال ذکر ویژگیهای مناطق مختلف اسلامی در نیمه دوم قرن چهارم هجری قمری، به مقوله قرائت قرآن و قاریان کلام الهی می- پردازد. ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی (حدود ۳۳۵-۳۸۱ق) در این اثر، جمعا ۳ مرتبه به قاریان قرآن پرداخته شده است. این مواضع عبارت اند از:

۱-۱- بیان فراوانی قاریان در منطقه مصر به عنوان یکی از ویژگیهای آن سرزمین. (مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۳۳)

۲-۱- توصیف کیفیت قاریان منطقه جیحون و ماوراء النهر با این بیان که: «قاریانی در میان ایشان (مردم منطقه جیحون) وجود دارد که همانندشان در عراق نیز وجود ندارد که خوش آهنگ و نیکو قرائت و دارای چهره شایسته اند.» (پیشین، صص ۲۸۷-۲۸۸)

۳-۱- بیان فراوانی قاریان در منطقه جبال که مرکز ایران را شامل می شده است با این بیان که: «شهرهای مهم آن دارای بزرگان، افراد جلیل القدر، قاریان، پیشوایان دینی، زاهدان و جنگجویان است.» (پیشین، صص ۳۹۰-۳۹۱)

۲- ابو عبدالله، محمد بن عبدالله بن محمد، معروف به ابن بطوطه مراکشی، طی ۲۷ سالی که در قرن هشتم هجری قمری به جهانگردی پرداخت، بارها از قاریان و مؤذنان خوش خوان سخن گفته است. وی در کتاب تحفه النظر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار معروف به رحله ابن بطوطه، در مواضع متعددی به شرح حال قاریان قرآن پرداخته است؛ از جمله:

۱-۲- ابن بطوطه در توصیف مراسم ماه رمضان در مسجد الحرام آورده است: «با دیده شدن هلال ماه رمضان در خانه امیر مکه طبلها و دهلهها زده می شود و مسجد الحرام رونقی تازه به خود می گیرد. حصیرها را نو می کنند و بر عدد شمعهها و مشعلها می افزایند چنان که حرم، غرق در روشنایی و نور می شود و درخشندگی آن چشم فلک را خیره می گرداند. پیش نمازان به چند گروه شافعی، حنفی، حنبلی و زیدی تقسیم می شوند. اما مالکیان چهار قاری دارند که به تناوب برای آنان قرآن می خوانند و شمع برمی افروزند. در حرم گوشه ای باقی نمی ماند که در آنجا یکی از قاریان با جمعی به اقامه نماز مشغول نباشد. مسجد از ولوله قاریان به لرزه درمی آید و حضور قلبی به مردم دست می دهد که اشک از دیدگان آدمی فرو می ریزد (ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، تحفه النظر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار، ج ۱، صص ۴۰۲-۴۰۳).

۲-۲- او در توصیف منطقه ایذه در خوزستان به دیدار با دانشمندی پرهیزگار اشاره می کند که نظارت همه خانقاهها را برعهده داشت و مورد احترام فراوان سلطان بود. آن زمان، دوازده تن از دراویش با او بودند که یکی از آنان

پیش‌نماز، دیگری خادم و دو تن قاری چیره‌دست بودند و به همین جهت اوضاع خود را خیلی خوب و مرتب دانسته است (پیشین، ج ۲، ص ۲۴).

۳-۲- در بیان ویژگیهای مقبره حضرت احمد بن موسی، شاهچراغ، به توصیف مدرسه بزرگی اشاره می‌کند که مادر سلطان ابواسحاق بنا کرده است و قاریان قرآن بر تربت ایشان همواره به قرائت قرآن مشغول‌اند. سپس بیان می‌دارد شبهای دوشنبه که خاتون یاد شده به اتفاق گروه زیادی از بزرگان شیراز به مشهد احمدی مشرف می‌شوند، قرآن را از روی مصاحف ختم می‌کنند و قاریان، کلام خدا را با صداهای زیبا تلاوت می‌کردند و سپس خوراکی توزیع می‌شد (پیشین، ج ۲، ص ۴۷).

۴-۲- در جای دیگر و در توصیف بلاد ترک، اشاره می‌کند سلطان و گروه زیادی جمع می‌شوند در حالی که قاریان قرآن به صورت حلقه‌ای در مقابل محراب مسجد می‌نشینند. خطیب مسجد و قاضی همراه آنان هستند و سلطان مقابل محراب حاضر است. آن‌گاه سوره کهف را با صداهای زیبا قرائت و به ترتیب عجیبی - که ذکر نمی‌کند - آیات را تکرار می‌کردند. وقتی که قرائت آیات به اتمام رسید، خطیب جمعه بالای منبر رفته، خطبه خوانده و نماز را می‌گزارد. بعد از نماز، به نافلة مشغول شده و سپس قاری ده آیه در مقابل سلطان به قرائت می‌پردازد. آن‌گاه سلطان و اطرافیانش می‌روند. سپس قاری در برابر برادر سلطان به قرائت مشغول می‌شود و پس از اتمام آن، برادر سلطان و نزدیکانش می‌روند. مشابه همین کار در مرحله بعد در مقابل پسر سلطان انجام می‌پذیرد (پیشین، ج ۲، ص ۲۰۷).

۵-۲- وی در توصیف دیدار از منطقه آسیای صغیر از ملکه‌ای یاد می‌کند که جایگاه والایی در بین مردم داشت. از جمله ویژگیهای برخورد با او و حضور در مجلسش بیان می‌دارد که در بین نزدیکانش قاری قرآنی بود که به سبک مصریها و با آهنگ خوش و جذابی قرآن می‌خواند (پیشین، ج ۲، ص ۲۳۱).

۶-۲- او در توصیف حکومت محمد اوزبک خان، از خاتون دختر امیر نغلی یاد کرده که به بیماری نقرس مبتلا می‌باشد. در دیدار با آن خاتون آورده است: «وقتی وارد شدیم، او روی ایوانی نشسته و به قرائت مصحف مشغول بود. تقریباً ده تن از زنان مسن و بیست تن از کنیزکان در نزد او بودند و این دخترها لباسی را طراز دوزی می‌کردند. بعد از سلام و علیک، قاری ما قدری قرآن خواند که بسیار مورد تحسین قرار گرفت.» (پیشین، ج ۲، ص ۲۳۳)

۷-۲- ابن بطوطه در دیدار از سرزمین هند ماجرای شگفت‌آور که خود مشاهده کرده بود، این چنین تعریف می‌کند: «شیخ بر منبر وعظ بود. قاری این آیه‌ها از قرآن را خواند: یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ. يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلُّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ. این آیه را شیخ چند بار تکرار کرد. درویشی از گوشه مسجد صیحه‌ای زد. شیخ آیه را باز خواند و درویش،

دیگر بار صیحه زد و قالب بی جانش بر زمین افتاد. من خود در زمره کسانی بودم که بر جنازه اش نماز گزاردمند.» (پیشین، ج ۳، ص ۱۱۴)

۳- ابن الجزری در قرائت قرآن، تجوید را مهم ترین عامل در جذب شنوندگان به قرآن می داند که قلبها را تسخیر نموده، قرائتی که صرفاً با صدای خوش ولی بدون رعایت تجوید باشد را رد می کند. سپس از یکی از اساتید تجوید به نام شیخ تقی الدین محمد بن احمد صائغ مصری نقل می کند در نماز صبح چندین مرتبه آیه «وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ» (سوره نمل، آیه ۲۰) را تلاوت کرد تا جایی که هدهدی بالای سرش نشست. وقتی تلاوت آن آیه در نماز را تمام کرد، دیدند بر سرش هدهدی نشسته است (ابن الجزری، پیشین، صص ۲۱۲-۲۱۳).

ارتباط قرائت تحقیق و نبر در جملات و کلمات

یکی از مباحث مهمی که می تواند در کیفیت بخشی قرائت تحقیق مؤثر باشد و حتی آن را یکی از ویژگیهای تحقیق برشمرد، ایجاد آهنگ و تکیه های صحیح در جملات و کلمات یا «نبر» است. هر جمله و عبارتی باید مطابق با معنا و ویژگی محتوایی اش قرائت شود. جمله استفهامی باید به حالتی خوانده شود که پرسشی بودن و انتظار برای پاسخ داشتن از قرائتش وجود داشته باشد؛ جملات تعجبی، خبری و غیر آنها نیز باید مطابق با معنا خوانده شوند. این تطابق معنا با قرائت جمله و عبارت را «نبر جمله» نامند. این امر، آن قدر اهمیت دارد که اگر کسی حروف را درست تلفظ کند، ولی نبر صحیح را در جمله رعایت نکند، باز هم نتوانسته است کلام را به صورت درست قرائت کند (نک: انیس، ابراهیم، الاصوات اللغویة، ص ۱۷۱). البته قاریان و حتی عالمان قرائت در گذشته به این موضوع به طور علمی توجه نداشته اند، هر چند معمولاً آن را به دقت رعایت می کرده اند (ارباب، سید حسن، النبر فی القرآن الکریم، ص ۱۱).

نوع دیگر از آن، «نبر کلمه» است که علی رغم اهمیتش به اعتقاد برخی از محققان، هنوز نظام جامع آن برای تمام کلمات عربی به صورت علمی نوشته نشده است (الخلیفه، ابوبکر یوسف، اصوات القرآن، ص ۲۹).

به عنوان نمونه هایی از این نوع، به تلفظ صحیح کلمات جدول زیر دقت کنید:

کلمه اصلی	معنا	حالت دوم کلمه	معنا	نبر صحیح
فَسَقَى	پس آب داد	فَسَقَا	آن دو مرد فاسق شدند	بر حرف سین
(سوره قصص، آیه ۲۴)				

بر حرف عین	مهمل و بی معنا	وَعِدَهُمْ	و آنان را وعده بده	وَ عِدَّهُمْ (سوره اسراء، آیه ۶۴)
------------	----------------	------------	-----------------------	---

در تلفظ هر یک از کلمات قرآن، باید به طور دقیق ساختار کلمه را شناخت و معنایش را دانست. آن گاه - به احتمال زیاد - می توان کلمه را صحیح خواند.

به عنوان نمونه ای پرکاربرد، به انواع مهم کلمه «ما» و کاربردهایش در قرآن کریم توجه کنید.

این کلمه گاهی اسم است و گاهی حرف (نک: دقر، عبدالغنی، معجم النحو، صص ۳۲۰-۳۲۳)؛ نظیر:

«ما» استفهامی؛ مانند: «وَ مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى» (سوره طه، آیه ۱۷).

«ما» شرطی؛ مانند «وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ» (سوره بقره، آیه ۲۷۰).

«ما» شبیه به لیس؛ مانند: «فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا» (سوره یوسف، آیه ۳۱).

«ما» مصدری؛ مانند: «إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا الْحِسَابَ» (سوره ص، آیه

۲۶).

«ما» موصول؛ مانند: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (سوره نحل، آیه ۹۶).

«ما» نافی؛ مانند: «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ» (سوره دخان، آیه ۳۸).

هریک از این انواع، مفهوم مجزایی را منتقل می کند. مثلاً حالت تلفظ «ما» استفهامی با «ما» نافی کاملاً متفاوت

است و جا به جا یا یکسان خواندن آنها، معنای نادرستی را القا می کند. به خصوص در جایی که دو مورد «ما» نزدیک به

هم وجود دارد، این تفاوت در تلفظ باید مشهودتر باشد؛ نظیر آیه «مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ» (سوره مسد، آیه ۲) که

اولی نافی و دومی موصول اسمی است (در مقاله سید حسن ارباب با مشخصات ذکر شده، نمونه های متعددی برای این

مورد ذکر شده است).

این، تنها نمونه ای از نبر در کلمات بود. در کلمات مختلف قرآنی، این مسئله به وفور مشاهده می شود.

اشکال در رعایت نبر کلمات در قرائت غیر عربها بیشتر و مشهودتر است؛ هر چند به لحاظ این که قاریان عرب،

گاهی بدون توجه به معنا یا رعایت لهجه فصیح و صحیح، کلمات را تلفظ می کنند، این اشکال در تلاوت شان به وجود

می آید.

همانند تلفظ تک تک کلمات، تلفظ درست عبارات و جملات با توجه به مفهوم‌شان بخشی از صحت کلام را تشکیل می‌دهد. قاری ابتدا فهم درستی از آیه پیدا می‌کند؛ سپس موقعیت عبارت در کلام (سیاق) را بداند و متوجه کلیت موضوع بشود. در این صورت، نبر کلام در سیاق خودش، با نبر کلام جدا از سیاقش تفاوت پیدا می‌کند (لیلی، سهل، التنغیم و اثره فی اختلاف المعنی و دلالة السياق، صص ۶-۷).

همین امر در وقف بین اجزای جمله و پیش از تمام شدن معنا نیز وجود دارد به گونه‌ای که اگر وقف با حالتی انجام پذیرد که نشان دهنده نقص در معنا باشد و مفهوم را القا کند، نبر صحیح است.

برای نبر کلام - یا به تعبیر برخی از محققان «تنغیم» - وظایفی وجود دارد:

۱- روشن کردن معنای نحوی و ارتباط بین بخشهای کلام در جملات منفی، استفهامی، خبری و سایر انواع؛ مثلاً اگر قاری «و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كَلًّا» (سوره انعام، آیه ۸۴) بخواند، «كَلًّا» تأکید برای «إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ» می‌شود در حالی که ارتباط صحیح «و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كَلًّا هَدَيْنَا» است، یعنی «كَلًّا» مفعول به «هَدَيْنَا» و مقدم بر آن است.

۲- روشن کردن بعضی از ادوات محذوف در جمله؛ نظیر این که در آیه «فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (سوره بقره، آیه ۱۰۹) جمله «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» در حکم تعلیل است، هرچند از لحاظ نحوی استیناف محسوب می‌شود (درویش، محیی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانه، ج ۱، ص ۱۶۶).

نمونه دیگر در آیه «وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ اُخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اُخْرِجُوهُمْ وَ الْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَاِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۱) است که عبارت پایانی «كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» استیناف و بدون محلی از اعراب است. در عین حال، آن را تعلیلی دانسته‌اند (صافی، محمود بن عبد الرحیم، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و نحوه و بیانه، ج ۲، ص ۳۹۳).

۳- تمایز گذاشتن بین معانی ادوات و حروف؛ مانند آن که در آیه «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ» (سوره زمر، آیه ۵۶) حرف «یا» برای ندبه است و محزون خواندن جمله می‌تواند نشان دهد که آن برای ندا نیست، بلکه ندبه است.

۴- تعبیر در کلام که امکان روشن کردن شخصیت متکلم و حالات مختلف را دارد: نبر تعبیر، نبر تعبیر جمله معترضه، نبر ندا در جملات، نبر در بدل، نبر در تعبیرهای متعدد، نبر در استفهام، نبر در طلب (پیشین، صص ۸-۱۰).

تأکید بر این امر لازم است که چنانچه نبر در کلمه و کلام رعایت شود، معانی کلام الهی بهتر منتقل می‌شود.

نتیجه گیری

- ۱- قرائت تحقیق، از جمله ریشه دارترین انواع قرائت قرآن است که از دوره نزول قرآن کریم در میان صحابه نمونه‌هایی از آن ملاحظه می‌شود و تقریر رسول اکرم (ص) بر صحت آن قابل استنتاج است.
- ۲- قرائت تحقیق، قرائتی است با حداکثر التزام به قواعد تلفظ و تجوید. البته میل پیدا نکردن به افراط و رعایت میزان طبیعی قواعد، جزء لوازم قرائت تحقیق است.
- ۳- به کار بستن صوت زیبا و لحن شایسته و مطلوب در قرائت تحقیق را می‌توان یکی از ویژگیهای قرائت تحقیق در مقام تبلیغ قرآن دانست؛ ولی ضروری آن محسوب نمی‌شود.
- ۴- توجه دقیق به رعایت نبر در کلمات و جملات، از ویژگیهایی برای قرائت تحقیق به شمار می‌آید که در دوره‌های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. این نکته، سبب ارتقای کیفی سطح قرائت تحقیق و تطابق آن با معانی خواهد بود.

کتابنامہ

- قرآن کریم

- نہج البلاغہ، تصحیح و تعليق صبحی صالح، بیروت، بی نا، چاپ اول، ۱۳۸۷ق

- ابن بطوطہ، شمس الدین ابو عبد اللہ محمد بن عبد اللہ، تحفۃ النظر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار، رباط، اکاديمية المملكة المغربية، ۱۴۱۷ق

- ابن الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، محقق محمد علی ضباع، بیروت، دار الكتاب العربی، بی تا.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تعليق: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق

- ارباب، سید حسن، التبر فی القرآن الکریم، مجله دراسات دعویة، سودان، دانشگاه بین المللی آفریقا، شماره ۱۷، ژانویه ۲۰۰۹م

- بنیادی، محمد، مصباح القرآن، تهران، عابد، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش

- حصری، محمود خلیل، احکام قراءۃ القرآن الکریم، قاہرہ، مکتبۃ السنۃ، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م

- الحمد، غانم قدوری، الدراسات الصوتیة عند علماء التجويد، عمان، دار عمّار للنشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م

- الخلیفۃ، ابوبکر یوسف، اصوات القرآن کیف نتعلمها و نعلمها، خارطوم، دار المركز الاسلامی الافریقی للطباعة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق

- دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، التحدید فی صنعۃ الاتقان و التجويد، محقق فرغلی سید عرباوی، (قاہرہ)، مکتبۃ اولاد الشیخ للتراث، ۲۰۰۸م

- درویش، محیی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانه، دمشق، دار الارشاد، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق

- دقر، عبدالغنی، معجم النحو، قم، مکتبۃ القیام، بی تا

- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبد اللہ، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، جمال حمدی ذہبی و ابراہیم عبد اللہ کردی، بیروت، دار المعرفہ، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

- سعید، لیب، الجمع الصوتی الاول للقرآن الکریم (المصحف المرتل، بواعثه و مخططاته)، قاہرہ، دار الکاتب العربی للطباعة و النشر، بی تا

- صافی، محمود بن عبدالرحیم، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، دمشق و بیروت، دار الرشید و مؤسسۃ الایمان،

چاپ چهارم، ۱۴۱۸ق

- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۴۱۲ق/۱۳۷۱ش
- طباطبائی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، بیروت، مکتب و کلاء الامام الخمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، اسوه، چاپ اول، ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش
- عبدالمجید، سید علی، مقتطفات فی علم التجوید، بی نا، بی تا
- عثمان، حسنی شیخ، حق التلاوة، جدّه، دار المنارة للنشر و التوزیع، چاپ دوازدهم، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م
- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دار المعرفة، ۲۰۰۴م
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ضبط و توثیق یوسف شیخ محمد بقاعی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۸-۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، اسوه، چاپ ششم، ۱۴۲۸ق
- لیلی، سهل، التنغیم و اثره فی اختلاف المعنی و دلالة السياق، مجله کلیه الآداب و العلوم الانسانیة و الاجتماعیة، الجزائر، بسکره، شماره ۷، ژانویه ۲۰۱۰م
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ سوم، ۱۳۷۴ش
- مخلص، عدی یوسف، المقدسی البشاری حیاته و منهجه، نجف، چاپخانه نعمان، ۱۳۹۳ق/۱۹۷۳م
- مقدسی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مصحح M.J. DE GOESE، بیروت، دار صادر، بی تا، افست از نسخه چاپخانه لیدن در سال ۱۹۰۶م
- موسوی بلده، سید محسن، حلیة القرآن، تهران، احیاء کتاب، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۰ش
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق